

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان؛

امام رضا عليه السلام که علم غیب داشتند ،
چرا زهر خوردند؟!

سخنران:

دکتر وحید باقر پور کاشانی

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِي لِقَاءَ الْفَرَجِ



حالا بیایم ورود پیدا بکنیم وقتی که امام رضا بود. مأمون بود چه اتفاقی افتاد؟ ببینید در نقلی آوردند که انگور رو مسموم کردند، در نقلی آورده انار و آب انار، در نقلی هست که یکی از خدمتکاران مأمون این رو گزارش می‌کنه بعدها. می‌گه مأمون به من گفت این ناخن‌ها رو بلند بذار، ناخن‌هامو بلند گذاشتم. می‌گفت وقتی که امام رضا می‌خواست بیاد، یک چیزی مثل تمبره‌ندی. گفت: این رو ممزوج کن بین ناخن‌ها قرار بده. گفت: انار رو بهت می‌دم، آب انار رو که می‌خواد بگیری، انار رو که فشار میدی این ناخن‌ها رو فشار بده که این آب انار ممزوج بشه با این ماده‌ای به مانند تمبره‌ندی و همین آب انار رو بده آقا علی بن موسی الرضا. که به این سبب می‌گن حضرت رو مسموم کردند. خب انگور هم بوده، تعارف کردند به این صورت.

خب این جا نکته‌ای مطرح می‌شه، خوب امام رضا می‌دانسته دیگه، امام رضا می‌دانسته خب چه لزومی بوده، چه لزومی بوده بخورند این‌ها رو. در نقل تاریخی این گونه دیدم، وقتی که مأمون تعارف می‌کنه، امام رضا قبول نمی‌کنه، می‌گه میل ندارم. یه وقت مأمون اشاره می‌کنه پرده‌ای کنار می‌ره، پنجاه تا مرد شمشیر به دست آماده. یعنی چی؟ یعنی یا این میوه رو، یا این آب انار رو می‌خوری یا این پنجاه تا می‌ریزه تورو تیکه تیکه می‌کنند. این جا امام رضا دایر بوده بین دو جریان، بالاخره آقا رو شهید می‌کردند. تحلیل اینه، تا مدت‌ها شهادت آقا علی ابن موسی الرضا مخفی بود. می‌گم که مأمون زبل بود، آدم مکاری بود. حتی می‌آمد در عزا تابوت حضرت، سر و صورتش می‌زد، لباسش رو پاره کرده بود در عزای آقا علی ابن موسی الرضا این سر بوده. حالا اگر چرا؟ به خاطر این که اثر کشته شدن در بدن حضرت رضا نبود، مسموم کرده بودند. و گفتند آقا امام رضا مریض شده از دنیا رفتند. اما اگه چنانچه اثر ضربات شمشیر بود، چه اتفاقی می‌افتاد؟

خب ایرانی‌ها امام رضا رو خیلی دوست داشتند.
علوی‌ها امام رضا رو خیلی دوست داشتند،
شیعه‌ها امام رضا رو خیلی دوست داشتند. این‌جا
نمی‌توانستند طاقت بیارن وقتی این وضعیت به
گوششون می‌رسه در همون تشییع جنازه‌ی امام رضا
دست به شمشیر می‌شدند و قدرت در زمان هارون
و مأمون به اوج رسیده بود. در زمان هارون این‌گونه
بود که سرش رو از کاخ بلند می‌کرد، می‌گفت ای ابرها
هرجا بیارید از حکومت من خارج نیستید. ممالک
اسلامی این قدر قدرت پیدا کرده بود. یه تعدادی
شیعه و ایرانی و مرید امام رضا این وسط کشته
می‌شدند، تار و مار می‌شدند. آقا امام رضا رضایت
دادند به خوردن اون سم که این ظواهر نباشه تا یه
مدتی هم این نشان نده خودش رو، بعدا این مسئله
رو بشه.